

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عذاب آتش جهنم را یاد کن!

مؤلف: قسمت علمی در دار ابن خزیمه

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: عذاب آتش جهنم را یاد کن!

مؤلف: قسمت علمی در دار ابن خزیمه

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان
۵.....	صفت آتش جهنم.....
۱۱.....	اعمالی که موجب داخل شدن به آن می شود.....
۱۸.....	راه نجات.....

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله تعالی است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آمرزش می‌کنیم. به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و نتیجه‌ی بدی اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد...

گواهی می‌دهم که معبود بر حقی جز الله وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد... اما بعد:

برادر گرامی‌ام! آیا می‌دانی معیار کامیابی و رستگاری در

زندگی چیست؟

جواب آن، این نیست که دنیا را بدست آوری یا مالک

مالها شوی و یا به حسب یا جاه یا ریاست دست یابی؛ زیرا

تمامی این وارد، از بین رفتنی و معدوم شدنی و نیست شدنی

می‌باشد.

فقط کامیابی حقیقی و رستگاری حقیقی این است که در روز قیامت از آتش جهنم حفظ شوی...

﴿فَمَنْ زُجِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾ [آل عمران: ۱۸۵] (پس کسی که از آتش جهنم حفظ شود و داخل بهشت شود، همانا کامیاب شده است).

﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ [الزمر: ۱۵] (بگو: زیانکاران واقعی کسانی هستند که خودشان و اهلشان در روز قیامت زیان می‌بینند، آگاه باشید که آن زیانکاری آشکار است).

برای بدست آوردن این کامیابی گریزی وجود ندارد که باید از آتش جهنم ترس ایجاد شود و یاد نمودن آن بر تمامی حال‌ها و اعمال ما اثر بگذارد و همچنین باید از سبب‌های وارد شدن به آن اجتناب صورت گیرد...

فَلَوْ كَانَ هَوْلُ الْمَوْتِ لَأَشَىٰ
لَهَانَ عَلَيْنَا الْأَمْرُ وَاحْتَقَرَ الْأَمْرُ
وَلَكِنَّهُ حَشْرٌ وَتَشْرٌ وَجَنَّةٌ
وَنَارٌ وَمَا قَدْ يَسْتَطِيلُ بِهِ الْخَبَرُ

الله جلّ و علا بندگانیش را از آتش جهنم ترسانده است
و به هر شکلی از هراس آنان را از آن بیم داده است و
سبب‌های نجات از آن را بیان می‌دارد و می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ
أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ * وَأَمَّا
مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ *
وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ * إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ * وَإِنَّ لَنَا
لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ * فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ
* الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ * وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ
يَتَزَكَّىٰ * وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ * إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ
الْأَعْلَىٰ * وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ﴾ [اللیل: ۶-۲۱] (پس اما کسی که
عطا کند و تقوا پیشه سازد * و نیکی را تصدیق کند * به

آسایش رسیدن را برای او آسان می‌کنیم * و اما کسی که انفاق نکند و اظهار بی‌نیازی کند * و نیکی را تکذیب کند * به سختی رسیدن را برای او آسان می‌کنیم * و هنگامی که [به قبر] پرت می‌شود، مال او به او سودی نمی‌رساند * همانا هدایت کردن فقط^۱ بر ماست * و آخرت و دنیا فقط برای ماست * شما را از آتشی که زبانه می‌زند، ترسانده‌ام * بدان داخل نمی‌شود و نمی‌سوزد مگر بدبخت‌ترین [انسانها] * کسی که تکذیب کرد و روی برگرداند * و پرهیزگارترین از آن دور داشته می‌شود * کسی که مالش را می‌دهد تا [نفس خود را] پاکیزه گرداند * و کسی نزد او نعمتی ندارد تا [او را] پاداش دهد * مگر برای کسب رضایتمندی پروردگار والایش^۲ * و

۱ - چون خبر مقدم شده است، انحصار را می‌رساند و همین طور در آیه‌ی بعد.(مترجم)

۲ - باید توجه داشت که از اسمها و صفات الله تعالی، «اعلی» می‌باشد و این کلمه درست معنای بر عکسی از «دنیا» دارد با این
==

حقیقتاً خشنود خواهد شد).

اما صفت آتش جهنم چیست؟

و کدام اعمال باعث داخل شدن به آن می شود؟

و راه نجات از آن آتش چه می باشد؟

* * *

صفت آتش جهنم

برادر گرامی ام...

سخن گفتن از جهنم و عذاب آن و ترس از آن و آتش آن، سخنی است که جگرها را شکاف می دهد و قلبها را منفجر می سازد و جانها را دچار اضطراب می کند... کسی نیست که درباره ی آنچه در جهنم از انواع عذاب و بدبختی چیزی را

= _____

تفاوت که اعلی مذكر است و دنیا مؤنث است و به همین دلیل نباید جایگاه وجودی الله تعالی را در دنیا ببینیم بلکه علم و رحمت او ﷻ همه چیز را در بر گرفته است. (مترجم)

بشنود و به آن ایمان بیاورد، مگر آن که در ترس، هول، اضطراب، بیم و خوف زندگی خواهد کرد؛ از ترس آن که مبادا از اهل آن قرار گیرد.

آتش جهنم دارای شدت و حرارت زیادی می‌باشد تا آنجا که هفتاد برابر از آتش دنیا گرمتر است... و کدام مخلوق می‌تواند آتش دنیا را تحمل کند تا چه برسد به تحمل آتش آخرت؟!

رسول الله ﷺ فرموده است: «نار کم هذه التي يُوقَد ابن آدم جزءٌ من سبعين جزءاً من حرِّ جهنم» (آتش شما که بنی آدم آن را برپا می‌کند یک هفتادم آتش جهنم گرما دارد)، گفتند: قسم به الله آن کافی خواهد بود ای رسول الله! فرمود: «فإنها فُضِّلَتْ عليها بتسعة وستين جزءاً کلَّهن مثل حرِّها» (آن شصت و نه بار قوی‌تر از [آتش دنیاست] است که هر کدام از آن قسمت‌ها به مانند آن (آتش دنیا) داغ می‌باشند). رواه بخاری (بخاری) و مسلم.

از شدت آتش جهنم این است که کمترین عذاب برای کسی است که پوستینی از آتش در پایش می‌کنند و از شدت گرما تا مغز سرش می‌سوزد. پناه بر الله.

نعمان بن بشیر رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ أَهْلَ النَّارِ أَهْلَ النَّارِ عَذَابًا مِنْ لَهْ نَعْلَانِ وَشِرَاكَانِ مِنْ نَارٍ يَغْلِي مِنْهُمَا دِمَاقُهُ كَمَا يَغْلِي الْمَرْجُلُ، مَا يَرَى أَنَّ أَحَدًا أَشَدَّ مِنْهُ عَذَابًا، وَإِنَّهُ لَأَهْوَنُهُمْ عَذَابًا» (سبکترین عذاب اهل آتش جهنم برای کسی است که دمپایی و بند کفشی از آتش به او می‌پوشانند و توسط آن، مغز سرش می‌جوشد، همان گونه که دیگ بخار می‌جوشد، چگونه خواهد بود کسی که عذابش شدیدتر از او خواهد بود، زیرا او سبکترین عذاب را دارد).
رواه مسلم.

اما عظمت آن و وسعت آن را کسی نمی‌داند، مگر الله تعالی، در سنت بیان وسعت آن آمده است تا سرگشته و خاموش جلوی عظمت الله تعالی در برابر مخلوقاتش قرار

گیریم؛ ابوهیره رضی الله عنه گفته است: ما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که صدای افتادنی را شنیدیم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أتدرون ما هذا؟» (آیا می دانید این چیست؟) گفتیم: الله و رسولش عالمتر هستند، فرمود: «هذا حجرٌ أرسله الله في جهنم من سبعين خريفاً، فالآن حين انتهى إلى قعرها» (ای سنگی است که الله آن را به مدت هفتاد پاییز به سوی [انتهای] جهنم فرستاده است و حالا به انتهای آن رسیده است). رواه بخاری (بخارایی).

کدام قلب است که به ترس از آتش و حالت آن متذکر شود و او به آنچه متذکر شده است ایمان داشته باشد، مگر آن که تأسف و حسرت می خورد که چرا در برابر الله تعالی کوتاهی کرده است، از ترس آن که مبادا جایگاه او آن آتش باشد!

کدام قلب است که اراده ی خود را از دست بدهد و طاعتی را که از قبل انجام داده است را باطل گرداند و با این وجود بداند در آتش محل نشستنی، آماده ی رسیدن وی می -

باشد. ولی اگر او ایمان بیاورد و اصلاح کند، از آن نجات می-
یابد و اگر لجبازی کند و از هوایش تبعیت کند، داخل آن می-
گردد!

ای برادر! آن آتش عذابی از آب جوشان، هوایی دود
آلود، بندها، باد داغ و زنجیرهایی است که هر شخص بدبخت
از اهل آتش جهنم، توسط آنها بند می‌شوند و این در حالی
است که عذاب آنها را از بالایشان و از زیر پاهایشان فرو
گرفته است و غذای آن زقوم است و سایه‌ی آنها دود سیاه...
﴿كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا
عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾ [السجده: ۲۰] (هر وقت
می‌خواهند از آن خارج شوند، به آن بازگشت داده می‌شوند و
به آنها گفته می‌شود، عذاب جهنمی را بچشید که آن را تکذیب
می‌کردید).

جِسْمِي عَلَى مُبَرَّدٍ لَيْسَ يَقْوَى

وَلَا عَلَى النَّارِ وَالْحِجَارَةِ

فَكَيْفَ يَقْوَى عَلَى سَعِيرٍ
وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؟

رسول الله ﷺ فرموده است: «يُؤْتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيُصْبَغُ فِي النَّارِ صَبْغَةً، ثُمَّ يُقَالُ: يَا بَنَ آدَمَ، هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ» (روز قیامت از اهل آتش جهنم کسی را که در دنیا از با نعمت ترین افراد بود و در آتش جهنم گرفتار شده است، آورده می شود، سپس به او گفته می شود: ای فرزند آدم آیا هرگز خیری دیده ای؟ آیا هرگز نعمتی داشته ای؟ می گوید: خیر، قسم به الله! ای پروردگار!). رواه مسلم.

مردم در آتش جهنم بر حسب اعمالشان عذاب می شوند و آنها در آن دارای درجاتی هستند، بعضی از آنها، آتش تا دو قوزک پای آنها می باشد و بعضی از آنها تا زانوها و بعضی از آنها تا حلقوم و بعضی از آنها تا گردن.

فَيَا سَاهِيًّا فِي غَمْرَةِ الْجَهْلِ وَالْهَوَى
صَرِيحَ الْأَمَانِي عَنِ قَرِيبٍ سَتَنْدُمُ
أَفِقْ قَدْ دَنَا الْوَقْتُ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ
سِوَى جَنَّةٍ أَوْ حَرٍّ نَارٍ تُضْرَمُ

برادرم...

این بعضی از صفات آتش جهنم است و آن بعضی از
حالت‌های آن می‌باشد و آن برای کسانی است که بهترین پند
دهنده آنها را به آنان متذکر می‌شود تا آنها را تشویق کند که
به راه نجات قدم بردارند و آنها را قبل از، از بین رفتن وقت
به بیداری دعوت می‌دهد.

* * *

اعمالی که موجب داخل شدن به آن می‌شود

برادرم... بدان که داخل شدن به آتش جهنم سبب‌هایی
دارد و آنها دو نوع هستند:

اول - اسبابی که باعث کفر انجام دهنده‌ی آن می‌شود:

این موارد باعث داخل شدن به آتش جهنم و جاودانگی در آن می‌شوند و این سبب‌ها باعث گرفتار شدن انسان به کفر و شرک می‌باشند، مانند اعتقاد داشتن که برای الله تعالی در الوهیت^۱ یا ربوبیت^۲ یا صفاتش^۳ شریکی وجود دارد، یا کفر ورزیدن به آنچه در اسلام وضع شده است یا شوخی گرفتنِ الله جلّ و علا، یا رسولش و یا کتابش (قرآن) یا به قسمتی از دینش؛ این سبب‌ها و به مانند آن، باعث باطل شدن اسلام شخص می‌شوند و آنها از خطرناکترین چیزهایی است که

۱ - یگانگی الله تعالی در عبادت و پرستش شدن. (مترجم)

۲ - یگانگی الله تعالی در پروردگار بودن که شامل: آفرینش،

پادشاهی و تدبیر وی می‌باشد. (مترجم)

۳ - یگانگی الله تعالی در صفاتش؛ بر بعضی از صفات مثل رحمان

بودن یا قیوم بودن یکتا می‌باشد و در بعضی از صفات، مثل مهربانی

یا شدید عذاب نمودن، یکتا نمی‌باشد، بلکه بی‌همتا است. (مترجم)

موجب وارد شدن به آتش جهنم هستند و فقط باعث جاودانگی شخص در آتش جهنم هستند، همان گونه که الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲] (کسی که به الله شرک بورزد، بهشت بر وی حرام می شود و جایگاه او آتش جهنم است و برای ستمگران یاری رسانانی وجود ندارد).

دوم - أسبابی که باعث فاسق شدن می شوند:

آنها تمامی گناهان، چه کبیره و چه صغیره می باشند که الله تعالی به انجام دهنده ی آنها، وعید آتش جهنم را داده است، ولی باعث جاودان شدن در آن نمی شود.

این سببها حصر و حد ندارد و شامل گناهان به تمامی اشکال آن است و این تا زمانی است که این گناه باعث خارج شدن شخص از ملت اسلام نمی شود.

شیخ الإسلام ابن تیمیه در مجموع الفتاوی گفته است:

«گناهان کبیره‌ای که باعث داخل شدن بنده به آتش جهنم می‌شود: شرک به الله تعالی، تکذیب پیامبران، کفر، حسادت، دروغ، خیانت، ستم، بی‌بند و باری، نامردی، ترس از جهاد، انفاق نکردن، اختلاف نمودن در نهان و آشکار [با جماعت]، تا امیدی از رحمت الله [تعالی]، احساس راحتی کردن در مقابل مکر الله [تعالی]، بی‌تابی هنگام مصیبت، فخر فروشی، تکبر داشتن هنگام دارای نعمت بودن، ترک واجبات الله تعالی، تجاوز کردن از حدود وی، بی‌حرمتی به حرامهای وی، ترسیدن از مخلوق بدون ترسیدن از خالق، ریا و خودنمایی، مخالفت با قرآن و سنت [چه در اعتقاد و چه در عمل]، اطاعت از مخلوق در نافرمانی از خالق، تعصب باطل، شوخی گرفتن آیات الله تعالی، لجبازی با حق، پوشاندن آنچه اظهار آن واجب است شامل علم و گواهی دادن، جادوگری و دعا نویسی، آزار پدر و مادر، کشتن کسی که الله تعالی آن را حرام نموده است مگر از روی حق، خوردن مال یتیم، رباخواری،

عذاب آتش جهنم را یاد کن // ۱۵

فرار از میدان جنگ، تهمت به زنان مؤمنی که فکر بی‌بند و باری به آنها خطور نمی‌کند. این تمامی اعمالی است که واجب می‌کند تا انجام دهنده‌ی آن وارد آتش جهنم شود. پناه بر الله». برادر گرامی‌ام...

اگر در مقابل بسیاری از حالت‌های اهل آتش جهنم قرار گرفتی و آنان را به گونه‌ای یافتی که داخل جهنم می‌نمایند، آن اعمال را حقیر ببین و از آنها اجتناب کن...

[مانند] زنی که به علت زندانی کردن گربه‌ای و غذا ندادن به آن و آزاد نکردن آن تا از حشره‌های روی زمین بخورد، وارد آتش جهنم شد...

این رسول الله ﷺ است که از کنار دو قبر عبور کرد و فرمود: «إِنَّهُمَا لِيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَبِرُّ مِنَ الْبَوْلِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ» (آن دو عذاب می‌شوند، و به علت [گناه] بزرگی عذاب نمی‌شوند، یکی از آنها ادرار خود را پاک نمی‌کرد [در نتیجه نمازش قبول

نمی شد] و اما دیگری خبرچینی و دو بهم زنی می نمود). رواه بخاری (بخاری) و مسلم.

پس حال کسی که نمازها را ضایع می گرداند و از حرامها هتک حرمت می کند و گناهان و بدی ها را آشکار می کند و صبح می نماید و شب می کند در حالی که عمل خطا انجام می دهد، چگونه خواهد بود؟... شکی نیست که ترسش از نفسش تأکید شده تر و اولی تر می باشد و نیازش به نجات دادن نفسش محق تر و واجب تر است.

تَفْنَى اللَّذَازَةُ مِمَّنْ نَالَ صَفَوَتَهَا

مِنَ الْحَرَامِ وَيَبْقَى الْإِثْمُ وَالْعَارُ

تَبْقَى عَوَاقِبُ سُوءٍ فِی مَعْبَتِهَا

لَا خَيْرَ فِی لَذَّةٍ مِّنْ بَعْدِهَا النَّارُ

برادرم... امروز از تاریکی های دست بکش، قبل از آن که مرگ تو را غافلگیر نماید و تو را از توبه باز دارد و در آن هنگام می گویی: «پروردگارا! مرا بازگران تا عمل صالحی را

که ترک کرده‌ام، انجام دهم» و به تو گفته می‌شود: ﴿أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ﴾ [فاطر: ۳۷] (آیا آنقدر به شما عمر ندادیم تا کسی که پند داده شده بود، پند پذیرد و [همچنین] بیم دهنده [نیز] نزد شما آمد، در نتیجه [عذاب را] بچشید که برای ستمگران یاری رسانی وجود ندارد).

يَا آمِنًا مِنْ قُبْحِ الْفِعْلِ مِنْهُ أَهْلُ
أَتَاكَ تَوْقِيعُ أَمْنٍ أَنْتَ تَمْلِكُهُ؟
جَمَعْتَ شَيْئَيْنِ أَمْنًا وَاتِّبَاعَ هَوًى
هَذَا وَإِحْدَاهُمَا فِي الْمَرْءِ تَهْلِكُهُ
وَالْمُحْسِنُونَ عَلَى دَرْبِ الْمَخَافِ
سَارُوا وَذَلِكَ دَرْبٌ لَسْتَ تَسْلُكُهُ
فَرِحْتَ فِي الزَّرْعِ وَقْتَ الْبَدْرِ فِي سَفَهٍ
فَكَيْفَ عِنْدَ حَصَادِ النَّاسِ تُدْرِكُهُ؟

راه نجات

برادر گرامی‌ام... از رحمت الله جلّ و علا بر بندگان
این است که راهی را برای آنها فراهم نموده است که آنها را از
آتش جهنم و هولهای آن نجات می‌دهد و آن راه مستقیمی
است که در کتابش قرآن و سنت پیامبرش ﷺ بیان فرموده است
و باید آنها را تهیه نمود:

۱- ترس از الله تعالی:

آن بزرگترین سبب نجات است و عارفان به آن تمسک
می‌جویند و مؤمنان به آن چنگ می‌زنند... رسول الله ﷺ فرموده
است: «من خاف أدلج، ومن أدلج بلغ المنزل» (کسی که
بترسد، شب زنده‌داری می‌کند و کسی که شب زنده‌داری کند،
به هدف می‌رسد).

یحیی بن معاذ گفته است: «فرزند آدم بیچاره است اگر
همان گونه که از فقر می‌ترسد از آتش جهنم بترسد، داخل
بهشت می‌شود».

محمد بن واسع گفته است: «اگر مردی را در بهشت ببینی که گریه می‌کند، آیا از گریه‌ی وی تعجب نمی‌کنی؟».

گفته شد: بله...

گفت: «کسی که در دنیا می‌خندد و نمی‌داند که بازگشت او به کجاست، عجیب‌تر از آن است».

إِنَّ لِلَّهِ رَجَاً فَطَنَّا
طَلَّقُوا الدُّنْيَا وَخَافُوا الْفِتْنَا
نَظَرُوا فِيهَا فَلَمَّا عَلِمُوا
أَنَّهَا لَيْسَتْ لِحَيٍّ وَطَنًا
جَعَلُوهَا لُجَّةً وَاتَّخَذُوا
صَالِحَ الْأَعْمَالِ فِيهَا سُلْفَنَا

طاوس رختخوابش را پهن می‌نمود و در آن دراز می‌کشید و به مانند دانه‌ای در ماهی‌تابه این طرف و آن طرف می‌نمود، سپس می‌ایستاد و آن را جمع می‌کرد و تا صبح نماز

می خواند و می گفت: «یاد جهنم خواب را از ترسندگان پرانده است».

الله تعالی به مضاء بن عیسی خیر بسیاری بدهد وقتی که گفت: «کسی که امید چیزی را دارد آن را طلب می کند و کسی که از چیزی بترسد از آن فرار می کند و کسی که چیزی را دوست بدارد آن را از بین دیگر چیزها انتخاب می کند».

برادر گرامی ام... چگونه می شود کسی که به جهنم ایمان دارد و حالتهای آن را می داند، از آن نترسد و این در حالی باشد که در خودش در کسب اسبابِ نجاتِ از آن کوتاهی کند؟... او به گونه ای آفریده شده است که شهوت ها برای وی مشکلات ایجاد می کنند و نفس به گونه ای خلق شده است که شدیداً به شهوات میل دارد و هر زمان مؤمن راستگو در میل کردنی از تمایلات نفس واقع می شود و به آن مبادرت کند، ایمان او را دعوت می دهد تا آتش جهنم را یاد نماید و اضطراب و ترس بر او چیره می گردد، از ترس آن که الله تعالی

عمل و توبه‌اش را قبول نکند و برای آن تمایل پیدا کردن‌ها، او را مورد حساب و کتاب قرار دهد.

۲- کوشش خود را برای آخرت قرار دهد:

کسی که کوشش خود را برای آخرت قرار دهد و از وارد شدن به جهنم هنگامی که الله تعالی بندگانش را حشر می‌کند، بترسد و با نفسش به اندازه‌ی حق جهاد آن، جهاد نماید؛ الله تعالی او را از بازگشت بد حفظ می‌نماید و او را روزی که مردم دچار ترس می‌شوند، ایمن می‌دارد؛ الله جلّ و علا دو امن را در بنده‌اش یکجا جمع نمی‌کند و [همچنین] دو ترس را برای او یکجا جمع نمی‌کند. اگر او را در دنیا بترساند، در آخرت او را ایمن می‌دارد و اگر در دنیا به او امن دهد در آخرت او را می‌ترساند [منظور ترس از جهنم و عظمت الله تعالی است].

این عمر بن عبد العزیز رحمه الله است که اصحابش را در خطبه‌ای بلیغ پند می‌داد و می‌گفت:

«ای مردم! شما برای امری آفریده شده‌اید، اگر آن را تصدیق کنید شما کامیاب خواهید شد و اگر آن را تکذیب کنید، هلاک خواهید شد، شما برای [زندگی] ابدی خلق شده-اید، ولی از سرزمینی به سرزمین دیگر انتقال داده می‌شوید... ای بندگان الله! شما در سرزمینی هستید که گاهی غذایتان در گلویتان گیر می‌کند و در نوشیدنی شما شرفی قرار دارد، نعمتی به شما داده نمی‌شود که با آن شاد گردید، مگر آن که به دوری از آن کراحت دارید، بدانید که بازگشت شما به سوی او خواهد بود و در آن جاودان خواهید ماند».

سپس گریه بر او غلبه نمود.

إِنْ كُنْتَ نِلْتَ مِنَ الْحَيَاةِ وَطَيِّبَهَا

مِنْ حُسْنٍ وَجْهِكَ عَفَّةً وَشَبَابًا

فَاخْذَرْ لِنَفْسِكَ أَنْ تَرَى مُتَمَنِّيًّا

يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ تَكُونَ تَرَابًا

۳- حساب و کتاب نفس:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: ۱۸] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر نفسی بنگرد که برای فردای [خود] چه فرستاده است و از الله تقوا پیشه کنید و بترسید که الله از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است).

کسی که خودش را مورد حساب و کتاب قرار دهد، خطاهای خود را می‌شمارد و امیال خود را اصلاح می‌کند و نیکی‌ها را جایگزین بدی‌هایش می‌گرداند تا آن که در روزی که به پروردگار آسمانها عرضه می‌شود، کامیاب گردد.

حسن بصری گفته است: «آسانترین حسابرسی در روز قیامت برای کسانی است که خودشان را در دنیا برای الله [تعالی] مورد حساب و کتاب قرار می‌دهند و در مقابل کوشش‌ها و اعمالشان درنگ می‌کنند، اگر آنچه را کوشش

خود قرار داده‌اند برای الله [تعالی] باشد به آن باز می‌گردند و اگر بر علیه [نفسشان] باشد از آن دوری می‌کنند... و سخت‌ترین حسابرسی در روز قیامت فقط برای کسانی است که در امور دنیا بی‌پروا عمل می‌کنند و با آن بدون حساب و کتاب برخورد می‌کنند و [در نتیجه‌ی آن در آخرت] الله [تعالی] را در حالی می‌یابند که باری به اندازه‌ی مورچه را نیز [درباره‌ی آنان] مورد حساب و کتاب قرار می‌دهد... سپس قرائت نمود: ﴿يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۴۹] (وای بر ما! این چه پرونده‌ی اعمالی است که کوچک و بزرگی را کنار نگذاشته است، مگر آن که آن را شمرده است و آنچه را که انجام می‌دادند، حاضر [و آماده] می‌یابند و پروردگارت به احدی ظلم نمی‌کند).

۴- عمل صالح:

الله جلّ و علا آن را حفاظی در برابر آتش و نجاتی از

زیانکاری قرار داده است، الله تعالی می فرماید: ﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ [العصر: ۱-۳] (سوگند به زمان * همانا تمامی انسانها در زیانکاری می باشند * جز کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند و یکدیگر را توصیه به حق می نمایند و یکدیگر را توصیه به صبر می کنند).

برادر گرامی ام...

به یاد بیاور که ما خلق نشده ایم مگر برای امتحان. آتش جهنم برای کسی است که در این امتحان ضرر کند و کسی از آن نجات نمی یابد، مگر آن که اعمالش نیکو شود... الله تعالی می فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکھف: ۱۱۰] (کسی که به دیدار پروردگارش امید دارد، پس عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک نگرداند [و برای او

اخلاص داشته باشد[). الله سبحانه می‌فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ﴾ [الملک: ۲] (کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را مورد امتحان قرار دهد که کدامیک از شما در عمل نیکوتر هستید و او بسیار با عزت [و] بسیار آمرزنده است).

ابراهیم التیمی رحمه الله مثالی بلیغ را برای پند دادن بیان نموده است و گفته است: «برای نفس مثالی را زدم که در بهشت باشم و از میوه‌های آن بخورم و از نه‌های آن بنوشم و دست در گردن حوریان اندازم، سپس مثالی برای او زدم که در آتش جهنم باشم و از درخت زقوم آن بخورم و از چرک و خونابه‌ی آن بنوشم و در بندها و زنجیرهای آن بسته شوم، بعد به نفسم گفتم: کدامیک را می‌خواهی؟ گفتم: دوست دارم به دنیا برگردم و عمل صالح انجام دهم... گفتم: تو حالا در امنیت هستی، پس عمل کن [تا به آنچه می‌خواهی برسی]!«.

فَقَدَّمْ فَدَتَكَ النَّفْسَ نَفْسُكَ إِنَّهَا

هِيَ الثَّمَنُ الْمُبْدُولُ حِينَ تَسْلَمُ

نفس خوار شده به وسیله‌ی وصل کامیاب نمی‌شود و بنده‌ای که در باطل به دنبال نعمت است، رستگار نمی‌شود. از پندهای ابی بن کعب رضی الله عنه این بود: نسبت به زنده‌ای غبطه نخور! مگر به آنچه که شخص مرده نسبت به آن غبطه می‌خورد.

گفتند: مرده غبطه‌ی چه چیزی را می‌خورد؟ گفت: آن عمل صالح و ذکر نیکو و طولانی شدن عبادت است.

چگونه مرده به عمل صالح غبطه نخورد، زیرا آن، راهنما و نجات و غنیمت وی در قبرش می‌باشد، رسول الله صلی الله علیه و آله خبر داده است که آنچه مسلمان را در قبرش همراهی می‌کند، عمل وی است و بازگشت وی بر اساس آن می‌باشد، او صلی الله علیه و آله فرموده است: «یتبع المیت ثلاثة: أهله، وماله، وعمله، فيرجع اثنان ويبقى واحد: يرجع أهله وماله، ويبقى عمله» (سه چیز به

دنبال میت می‌روند: اهلش و مالش و عملش و [هنگامی که دفن شد] دو عدد از آنها بر می‌گردند و یکی باقی می‌ماند: اهلش و مالش بر می‌گردند و عملش باقی می‌ماند). رواه بخاری (بخاری) و مسلم.